



۲۰۲۲/۰۳/۲۴



دوکتور محمد ظاهر عزیز

## امروز طالبان از حکم اسلام

### در جهت کسب تعلیم دختران افغان، سر پیچی کردند

روز چهارشنبه، سه حمل ۱۴۰۱ هجری شمسی، طالبان به امر گروهی از رهبران شان دختران افغان را از مکتب رفتن باز داشتند و به این صورت از حکم اسلام که کسب تعلیم و تربیت را بر زن و مرد، دختر و پسر فرض قرار داده است، صریحاً سر پیچی نمودند.

تصور بر این است که چنین تخطی و نقض از احکام اسلامی توسط طالبان به دلایل ذیل اتخاذ گردیده است:  
۱: آنانی که چنین تصمیم را گرفته اند از احکام و ارزش های والای اسلامی و توصیه های حضرت محمد (ص) پغمبر اسلام که کسب تعلیم و تربیه را بر زن و مرد، دختر و پسر فرض حکم نموده است، بی خبر اند.

۲: طالبان به وعده های خود به کافه مردم افغانستان و جامعه بین المللی مبنی بر باز نمودن مکتب و درس و تعلیم به دختران و پسران افغان در شروع حمل ۱۴۰۱ شمسی هیچ حرمت ندارند. چنین روش خلاف اخلاق اسلامی، افغانی و انسانی محسوب میگردد چرا که عدم مراعات از وعده، غیر اخلاقی و گناه عمده به شمار می رود.

۳: این تصمیم نا شایسته را به پیروی از حکم دشمنان مردم افغانستان و کشوری که سران حکومتی آن کشور دارای فرهنگ نا چیزی اند، اتخاذ نموده اند. دشمنی با کسب تعلیم اطفال و مردم افغانستان را جز نوات بی فرهنگ و تاریک العقل، که خواسته اند مردم افغانستان خاصاً زنان و دختران افغان را در تاریکی نگهدارند، کس دیگر نمی گیرد. انسان صاحب فرهنگ عالی اسلامی و صاحب شخصیت انسانی چنین توصیه بی ارزش را که حکم تاریکی عقلی را دارد، به مردم افغانستان، روا ندارد.

حال، توجه و وطنداران صاحب وجدان، فرهنگ دوست و مسلمان را به موازین و ارزش های اسلامی که در کسب تعلیم و آموزش، خواندن و نوشتن احکام واضح دارد، با حرمت جلب می نمایم:

نخستین آیاتی که بر محمد (ص) پیغمبر اسلام نازل شد چنین بود: " ای رسول گرامی بر خیز، قرآن را بنام پروردگارت بخوان که آفرید، آفرید انسان را از خون بسته، بخوان، پروردگار تو است کریم. آن خدائی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت و به آدم آنچه را که نمیدانست، با الهام خود تعلیم داد."

در این آیات مبارک کلماتی که مسلمان ها می باید همیشه به یاد داشته باشند و از معنی و مفاد آنها پیروی نمایند عبارت اند از کلمات بخوان که دو بار تکرار شده است، کلمات بشر، علم، نوشتن، قلم و تعلیم، اند.

بنده از معنی این کلمات آموخته ام که در صدر دین اسلام، خواندن، نوشتن و آموختن علم و دانش، با کسب تعلیم و تربیت بر زن و مرد حکم فرض صادر گردیده و به عبارت ساده، کسب تعلیم و تربیه و علوم بر زن و مرد، دختر و پسر، فرض گردیده است.

پیغمبر اسلام می فرماید " شما همچون دندانهای شانه برابرید." این مساوات بنیادی که در برابر مزایای ناشی از اصل و نسب و مال، مکننت و قدرت، خدشه ناپذیر است، متضمن یک مسولیت حقوقی و اخلاقی مساوی برای همگان است. از اینرو هر فرد (مرد و زن) در برابر، خداوند و مردم، مسؤوول اعمال خود و مسؤوول چگونگی گردش امور اجتماع است .

با تأیید، تکرار میگردد که خصلت اساسی اسلام، جهان شمول بودن پیام آن است. در این آئین، جایی برای تبعیض نیست، نه برای مرد و نه برای زن. دین اسلام برای همه است. اسلام ذاتاً دوستدار سلم و منادی برابری بنیادین همه ابناء بشر، یاد گرفتن و دانش است که این خود از یگانگی جوهر آنان، منشا مشترك آنان و مقصد مشترك آنان، سر چشمه می گیرد.

کسانی که از این احکام و روحیه پیروی نمی کنند و در پی کشتار و آزار مسلمانان خاصاً زنان و اطفال اند و یا در پی نقض از حقوق و دسترسی دختران افغان از تعلیم و تربیه اند، گنهگار اند .

اطاعت پروردگار و خدمت به خلق، فوق تمایزات نژادی، فرقه ای و طبقاتی، و اصل و نسب است. تکراراً تذکر داده می شود که پیغمبر اسلام (ص) می فرماید: "بنی آدم خانواده واحدی را تشکیل میدهد که تحت حمایت پروردگار قرار دارد. گرمی ترین شما نزد خداوند کسی است که برای خانواده اش مفیدتر باشد." و یا "عرب بر غیر عرب، برتری ندارد، سفید پوست نیز بر سیاه پوست برتری ندارد، مگر آنکه پرهیز گار تر باشد." این بیان به صورت واضح بر حسب اصول دین مبین اسلام همبستگی بشریت و تساوی بنیادین همه انسانها را حکم می نماید که می باید از طرف هر مسلمان، مرد و زن مراعات، اجرا و احترام شود. پس مسلمان با شخصیت و با ایمان باید قبول کند که مرد شخصیت انسانی بهتر و یا حقوق زیاد تری از زن ندارد.

ما در جامعه خود، افغانستان، به تعلیم و تربیه مفاهیم فوق الذکر ضرورت شدید داریم. مردم ما باید بدانند که حقوق و مسولیت های شان در برابر خداوند (ج) و خلق خدا و در برابر همدیگر مساوی است. وقتی پیغمبر اسلام حکم می فرماید که بنی آدم خانواده واحدی را تشکیل میدهد و گرمی ترین شما نزد خداوند کسی است که برای خانواده اش مفید باشد، بر جامعه اسلامی لازم است بدانند که حکم پیغمبر اسلام این است که بر خانواده خود یعنی انسانها و مسلمانان عمل نیک انجام دهید، آنها را با خود مساوی تلقی نمائید. در میان زن و مرد دختر و پسر از تفوق جویی پرهیز نماید.

درک پیام اسلامی، تهیه وسایل دسترسی به تعلیم و تربیه برای زن و مرد، دختر و پسر به صورت مساوی و انجام دادن روشی که در حکم ارزشهای اسلامی باشد، جامعه اسلامی را در راه حفظ هویت اسلامی کمک می نماید زیرا با کسب تعلیم و تربیه، بر مقام انسانی افراد جامعه افزودی به عمل می آید .

امروز در جامعه ما و به حکم پیام و مفاهیم اسلامی که با حسن انسانی مطابق است، نه تنها این آرزو موجود است بلکه ضرور هم است که اکنون نیز بار دیگر موج همبستگی انسانها اوج گیرد، همه افغان ها نیاز های دیگران را نیاز های خود بدانند و تمام کسانی که دارای توانائی های معنوی، علمی و دانش اند، دست دوستی برای زدودن جهل و بیسوادی ، دراز کنند. نگذارند خواهران، برادران و اطفال دختر و پسر شان در جهل و بیسوادی که با ارزشهای اسلامی سازگاری ندارد، زندگی نمایند. جامعه با سواد و با تعلیم داناتر و مرفه تر از جامعه بیسواد و بی دانش است. برای این منظور موسسات اجتماعی، خیریه، تعلیمی، صحی و اطلاعاتی تاسیس نمایند. با فرستادن اطفال شان ( دختر و پسر) به مکتب در کاهش بیسوادی و جهل از راه ساخت و تاسیس مکتب و تهیه وسایل تعلیم و تدریس اقدام نمایند

احکام اسلامی سرودی بس زیبا در مدح دانش.

احکام اسلامی انسانرا به کسب دانش فرا می خواند، راز و خرد را با یکدیگر تلفیق می کند و کسانی را که در باب خلقت تأمل میکنند و نسبت به هموعان خود امین اند، بزرگ میدارد .

اصالت اسلام تنها در آن نیست که اهمیتی استثنایی برای علم قایل است بلکه همچنین در آن است که بی وقفه در طلب علم است. علم از دیدگاه اسلام میراث مشترك تلقی میشود که در انحصار هیچ کس نیست. در اسلام هیچ چیز بیگانه تر و بدتر از سیستمی نیست که استفاده و بهره گیری و مبادله دانش را محدود میکند و جریان اطلاعات علمی و فنی را محض در خدمت بازار و سود بیشتر قرار میدهد.

اعتقاد به اینکه علم متعلق به تمامی بشریت است، عالم را ملزم می سازد که دانش خود را به کسانی که در طلب علم هستند، منتقل کند. این که طلب علم خواست مشروعی است از این دعای پیغمبر (ص) برمی آید: "پروردگارا در علم من بیفزا" و این که عالم شایسته احترام است، از این سوال هویدا است: "ایا برابرند آنانی که می دانند با آنانی که نمی دانند؟" همچنین قرآن کریم ما را امر میکند که از فیض علم بهره گیریم: "بروید از اهل ذکر سوال کنید اگر نمیدانید."

با پیروی از این فلسفه، اسلام از دانش و فرهنگ تمام جوامعی که در جریان گسترش خود به آنها بر می خورد بهره میگرفت. پیغمبر اسلام به مومنان اندرز داده است که از "گهواره تا گور دانش بجویند و در طلب علم حتی به چین بروند". این حکم به این معنی است که کسب علم و تعلیم متداوم، در احکام اسلامی توصیه شده است و کسب دانش و علم را بر زن و مرد فرض حکم نموده است.

اسلام به قابلیت بشر برای رسیدن به کمال از راه تعلیم و تربیت، اطمینان داشت و در نتیجه برای نخستین بار در تاریخ بشریت، نظریه آموزش مداوم را توصیه کرد. اسلام مردان و زنان و اطفال را به آموختن امر کرد، تا بتوانند به نوبه خود تعلیم و تربیت دیگران را بر عهده بگیرند.

آن ارزشهای آزادی، مسوولیت، همبستگی، پاکي نفس، و حکم برای کسب دانش، که به نور ایمان منور و منزه شده بودند، برای انسان امروز نیز همچون زمان پیغمبر (ص) دارای اهمیت اند.

آن ارزشها امروز نیز همچون گذشته و آینده، چنان آرمانی را در مسیر زندگی انسان قرار میدهند که به برکت آن جزئی ترین اعمال روز مره اش نیز از والا ترین آمال معنوی او رنگ می گیرد. بر ماست که آن ارزشها را درک نمایم، بفهمیم و در مسیر زندگی، سرمشق حیات شخصی و اجتماعی جامعه خود بسازیم.

سه دلیل عمده نویسنده را راهنمایی می نماید تا این نوشته را با مسایل مربوط به کسب دانش و تعلیم و تربیه و تهیه تمامی وسایل برای کسب تعلیم و دانش برای هریک از اطفال افغان، خاتمه دهد:

الف: اعتقاد به پیام و حکم اسلام در جهت کسب دانش.

ب: تعلیم و تربیه و سیله گرانمایه برای تفهیم، تعلیم و فهم ارزشها و پیام اسلام است. جامعه اسلامی با سواد، احکام، پیام و ارزشهای اسلام، این دین مقدس و صلح خواه را که به مقام وزندگی انسان حرمت قایل است، و از دهشت افگنی و کشتار مردم بی گناه حکم پرهیز می دهد، بهتر میدانند و بالاخره آن ارزشها را رهنمای زندگی خود می نمایند.

ج: تعلیم و تربیه وسیله اصلی نجات انسان از شر فقر، جهل، امراض، فساد می باشد و راهنمایی جامعه بطرف حیات مرفه دارای مزایای فرهنگی و اقتصادی است.

رسالت اصلی تعلیم و تربیه ایجاد و پرورش انسان نو و کامل می باشد که باید موافق با ضرورتهای جامعه نو با ابزار نو و روش نو تربیت گردد، در تربیت او از همه وسایل استفاده شود و او خود یعنی تعلیم دیده موظف شود که در تربیت دیگران همت گمارد تا اینکه کسب دانش مداوم در جامعه امر سرنوشت همه، قرار گیرد.

دستگاه دولت که موظف تعلیم و تربیت فرزندان و مردم افغانستان هستند، باید وظایف خود را آنچه ارزشهای اسلامی حکم می نمایند، در تعلیم و تربیت کامل دختران و پسران افغان با نظر داشت ضرورت های امروز و فردای شان بشناسند. برنامه های تعلیمی را با همکاری متخصصین تعلیم و تربیه طوری تنظیم نمایند که همه اطفال و جوانان افغان به تعلیمات عمومی و عالی دسترسی کامل و متوازن داشته باشند ورنه در اجرای این وظیفه شریف ناکام خواهند بود.

در اخیر من از آنانی که در مقام بلند دولتی در حکومت سر پرست طالبان قرار دارند، تقاضا می نمایم که اطفال دختر افغان را با بهانه های نامعقول که دور از ارزشهای اسلامی باشند، بی سواد و بی تعلیم نگاه ندارند. چنین عمل خلاف احکام اسلامی و خلاف شخصیت انسانی خواهد بود. بر اطفال دختر و پسر افغان رحم نمایند. اطفال

دختر و پسر افغان مانند ساير اطفال در جهان حق دارند بياموزند و بر حسب احكام والای اسلامی صاحب دانش علمی با بلندترین درجه تعليمی شوند تا اين که بتوانند به فرزندان آینده افغان که مشتمل بر فرزندان شما نیز است، مصدر خدمات عاقلانه شوند.

ختم



برای مطالب دیگر دوکتور محمد ظاهر عزیز روی عکس کلیک کنید

